

Locating of Qal'eh Kohan and Qal'eh Kuh in Kerman based on historical sources and architectural evidence of Qal'eh Dokhtar and Qal'eh Ardeshir*

Sareh Tahmasbizadeh¹ | Maryam Mohammadi²
Saeed Amirhajlou³ | Reza Riahiyan⁴

Abstract

1. Introduction

Some of Iran's castles are called Qal'eh Dokhtar and some others are called Qal'eh Ardeshir. Regarding the reasons for choosing the name Qal'eh Dokhtar and Qal'eh Ardeshir, a lot of research has been done and various theories have been proposed for its name. In some historical texts, the castles of Kerman are mentioned in general terms and the examination of other historical sources also shows a number of contradictions about the previous names of Qal'eh Dokhtar and Qal'eh Ardeshir. These contradictions have not been resolved until now due to the lack of detailed investigation of these two castles and the lack of attention paid to them in scientific research. In other words, no research has been done about matching the names of Qal'eh Dokhtar and Qal'eh Ardeshir with ancient names in historical texts. Therefore, the goals of this article are to locate the Qal'eh Kuh and the

* Article history:

Received 5 March 2022

Received in revised form 18 October 2022

Journal of Iranian Studies, 21(42), 2022

Accepted 21 April 2022

Published online: 31 December 2022

Publisher: Shahid Bahonar University of Kerman



© The Author(s).

1. PhD student, Archeaology Department, Buali Sina University of Hamedan, Hamedan, Iran. Email: sahartahmasbizade@gmail.com

2. Assistant Professor, Archeaology Department, Buali Sina University of Hamedan, Hamedan, Iran. Email: Mohammadi7586@gmail.com

3. Assistant Professor, Archeaology Department, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. Email: s.amirhajloo@modares.ac.ir

4. Administration of Cultural Heritage, Tourism, and Handicrafts of Kerman, Iran. Email: Riahiyan.r@gmail.com

Qal'eh Kohan mentioned in historical sources and to explain the historical background of Qal'eh Dokhtar and Qal'eh Ardeshir as two prominent buildings in the city of Kerman.

In this research, these questions will be answered: Which names in historical sources correspond to Qal'eh Dokhtar and Qal'eh Ardeshir? And what is the reason for naming these two castles?

2. Research Method

The method of data collection is field and documentary, and the research method is analytical. Information obtained from field surveys has been matched with documentary data. The analysis of historical and geographical sources has been done with the content analysis method. The ups and downs of Qal'eh Dokhtar and Qal'eh Ardeshir in the historical-Islamic era have been investigated based on historical sources.

3. Discussion

Qal'eh Dokhtar has been built on a high rock overlooking the Kerman plain. This high rock is stretched lengthwise from east to west and its length is more than 720 meters. The architecture of Qal'eh Dokhtar follows the topography of this rock. Some of the architectural spaces of Qal'eh Dokhtar were formed on many large stone slabs, and in some others, space was provided for construction by carving the mountain bed, and buildings were formed with clay, rubble stone, Saruj, plaster, and lime materials. Qal'eh Ardeshir also includes structures that are completely destroyed in some areas, and the buildings that have remained standing are all filled with sediments. The castle consists of various parts such as four rows of fences, a moat, an entrance gate, a ruler's seat, and a number of rooms. Around this castle, there are remains of an old moat, which has been filled by the accumulation of sediments and windblown sand over time.

Mud brick is the dominant material in Qal'eh Dokhtar. Mud bricks of various sizes were used in different parts of Qal'eh Dokhtar. The largest mud bricks of Qal'eh Dokhtar have dimensions that were not common during the Islamic era and clearly belong to the pre-Islamic era. Based on field surveys in Qal'eh Dokhtar, in addition to mud bricks, bricks have also been used in the construction of buildings. The architectural materials of Qal'eh Ardeshir are mud brick along with mud mortar, bricks, and in parts such as the watchtowers of the southwest and southeast fronts, the walls of the center of the castle, the ruling part of the castle, and the southeast fences, stones have been used behind the walls. The multiple layers of mud bricks

مکان‌یابی قلعه کهن و قلعه کوه در شهر کرمان بر پایه منابع تاریخی و شواهد معماری قلعه دختر و قلعه اردشیر*

(علمی - پژوهشی)

ساره طهماسبی زاده^۱
مریم محمدی (نویسنده مسئول)^۲
سعید امیر حاجلو^۳
رضا ریاحیان^۴

چکیده

قلعه دختر و قلعه اردشیر در شرق شهر کرمان، مجموعه‌ای ارزشمند از ساختارهای معماری و مواد فرهنگی ادوار تاریخی تا متأخر اسلامی را تشکیل می‌دهند. این مجموعه به دلیل همجواری با شهر کرمان، کانون برخی از رخدادهای سیاسی و اجتماعی بوده و اشارات منابع مکتوب تاریخی، گواه نقش و کارکرد این دو قلعه به ویژه در سده‌های میانی اسلامی است. در حالی که به نظر می‌رسد این مجموعه در ادوار پیشین، با نام‌های دیگری شناخته می‌شد و منابع تاریخی، شماری از تناقض‌ها را درباره نام‌های این دو قلعه نشان می‌دهد. این تناقض‌ها به دلیل عدم بررسی دقیق این دو قلعه و کم‌توجهی به آن‌ها در پژوهش‌های

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۱۴ تاریخ ویرایش نهایی مقاله: ۱۴۰۱/۰۷/۲۶ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۱/۰۷/۲۹
DOI: 10.22103/JIS.2021.16644.2086
مجله مطالعات ایرانی، سال ۲۱، شماره ۴۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، صص ۳۴۹ - ۳۸۱
ناشر: دانشگاه شهید باهنر کرمان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی
حق مؤلف © نویسندگان



۱. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشکده هنر و معماری دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران، رایانامه: sahartahmasbizade@gmail.com
۲. استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده هنر و معماری دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. رایانامه: Mohammadi7586@gmail.com
۳. استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. رایانامه: s.amirhajloo@modares.ac.ir
۴. اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان کرمان، ایران، رایانامه: Riahiyan.r@gmail.com

علمی، تاکنون برطرف نشده‌است. در این پژوهش تلاش شده با روش تاریخی تحلیلی و بر اساس اسناد و مدارک تاریخی و شواهد باستان‌شناسی، به بررسی و تطبیق دو نام قلعه دختر و قلعه اردشیر با نام‌های مذکور در متون تاریخی پرداخته شود و روند تحول این مجموعه تبیین گردد. بر پایه نتایج به نظر می‌رسد زمان ساخت هر دو قلعه به قبل از دوره اسلامی و دست کم به دوره ساسانی می‌رسد، اما نام‌گذاری قلعه دختر و قلعه اردشیر، در سده‌های اخیر صورت گرفته و این موضوع با متروکه شدن قلعه‌ها در دوره‌های اخیر بی‌ارتباط نیست. در نهایت می‌توان قلعه دختر را همان قلعه کهن و قلعه اردشیر را همان قلعه کوه در متون تاریخی دانست.

واژه‌های کلیدی: قلعه دختر، قلعه اردشیر، قلعه کهن، قلعه کوه، تاریخ کرمان.

۱. مقدمه

شماری از قلعه‌های ایران، قلعه دختر و برخی دیگر، قلعه اردشیر نام دارند. درباره دلایل انتخاب نام قلعه دختر تحقیقات زیادی انجام شده و نظریه‌های مختلفی برای وجه تسمیه آن مطرح شده‌است. برخی پژوهشگران بر این باورند از آن‌جا که ایرانیان برای الهه آب و باروری احترام ویژه‌ای قائل بوده‌اند نیایشگاه‌هایی بر فراز کوه‌ها برای این بانو ساخته و در آن‌ها به پرستش آناهیتا مشغول بوده‌اند (مدرسی و سیفی، ۱۳۹۱: ۲۴۳). باستانی‌پاریزی در کتاب «خاتون هفت قلعه» معتقد است ابنیه موسوم به دختر در ایران، همان بناهای منسوب به ناهید و ایشثار است (باستانی‌پاریزی، ۱۳۶۸: ۲۰۳). این نام نشان‌دهنده اختصاص این اماکن در گذشته‌ای دور به ایزدی باستانی همچون آناهیتاست. نظر اخیر به دلیل تمایل ایرانیان معاصر به بازشناختن مضامین باستانی در آثار و بناهای تاریخی، محبوبیت نسبتاً زیادی یافته و به نوبه خود، شناسایی منشا برخی از مکان‌های مقدس، همچون زیارتگاه‌های زنانه زرتشتیان و مسلمانان را تحت تأثیر قرار داده‌است (جم، ۱۳۹۸: ۱۲۹). برخی دیگر از پژوهشگران اذعان دارند که قلعه دخترها به دلیل سختی دسترسی و ناممکن بودن تصرف آن‌ها، چنین نامیده شده‌اند. دشواری بودن یا تصرف ناپذیر بودن فرضی آن قلعه‌ها را به

قیاس با باکرگی دختران دلیل این نام گذاری می‌دانند (همان: ۱۳۰). به باور جیمز موریه، نام «دختر» عموماً منسوب به همه جاهایی است که به سبب موقعیت طبیعی خود نفوذناپذیر هستند (Morier, 1818: 310) و چنین باوری، انعکاسی از همان تعبیر پیشین است. برخی دیگر، قلعه دخترها را پناهگاه دختران پادشاهان و شاهزادگان بزرگ می‌دانند که برای حفاظت از آنها بوده تا چشمان نامحرمی به آنها نیفتد و دستان غریبه‌ای آنها را لمس نکند (مدرسی و سیفی، ۱۳۹۱: ۲۴۳). برخی نیز نام گذاری قلعه دخترها را محصول خیال پردازی عامه مردم می‌دانند که از گنجینه قصه‌ها و روایت‌های عامیانه بهره برده و بن‌مایه مشترک آنها، حضور دختری در قلعه است (جم، ۱۳۹۸: ۱۲۹). اگرچه بن‌مایه دختر درون قلعه به اسطوره‌ها و افسانه‌های دوران باستان باز می‌گردد و امکان نام گذاری قلعه‌های متروکه به نام قلعه دختر (یا نامی به آن معنا) در دوران کهن منتفی نیست؛ اما از شواهد تاریخی چنین برمی‌آید که بیشتر قلعه‌ها در سده‌های اخیر چنین نامیده شده‌اند (همان: ۱۴۲). باستانی‌پاریزی دلیل نام گذاری قلعه اردشیر را ساخت قلعه توسط اردشیر بابکان پس از پیروزی بر هفتواد حاکم کرمان دانسته‌است. به اعتقاد او مقصود از ساخت قلعه اردشیر، جداسازی سپاهیان از مرکز مذهبی (قلعه دختر) و حفظ حرمت آن بوده‌است (باستانی‌پاریزی، ۱۳۶۶: ۱۹۷).

اگرچه تاریخ شهر کرمان به علت کمبود منابع تاریخی با افسانه آمیخته شده‌است، اما منابع کافی برای بازشناسی این دو قلعه وجود دارد. با این همه، در برخی از متون تاریخی به قلعه‌های کرمان به صورت کلی اشاره شده و بررسی سایر منابع تاریخی نیز نشانگر شماری از تناقض‌ها درباره نام‌های پیشین قلعه دختر و قلعه اردشیر است و این تناقض‌ها به دلیل عدم بررسی دقیق این دو قلعه و کم‌توجهی به آنها در پژوهش‌های علمی، تاکنون برطرف نشده است. به بیان دیگر، تاکنون درباره تطبیق دو نام قلعه دختر و قلعه اردشیر با نام‌های کهن در متون تاریخی، پژوهشی صورت نگرفته‌است. بنابراین اهداف مقاله حاضر، مکان‌یابی قلعه کوه و قلعه کهن مورد اشاره در منابع تاریخی و تبیین پیشینه تاریخی قلعه دختر و قلعه اردشیر به عنوان دو بنای شاخص در شهر کرمان است.

اهمیت قلعه دختر و قلعه اردشیر به عنوان بناهای مهم در بافت شهر کرمان از یک سو، نقش آفرینی این دو قلعه در بستر زمان خود از سوی دیگر و فقدان آگاهی‌های علمی نسبت به این دو قلعه از دیگر سو، مبین ضرورت پرداختن به این موضوع است. این امر به روشن شدن گوشه‌ای از تاریخ شهر کرمان در دوره‌های مختلف زمانی منجر خواهد شد. به بیان دیگر، بخشی از تاریخ شهر کرمان، از رهگذر مطالعه این دو قلعه، شناسایی و آشکار خواهد شد. بنابراین نخستین اهمیت این پژوهش در اینست که دو بنای اثرگذار در تاریخ شهر کرمان که در بسیاری از منابع تاریخی از آن یاد شده، یعنی قلعه کوه و قلعه کهن را مکان‌یابی کرده است. با توجه به اینکه درباره پیشینه و تاریخ قلعه اردشیر و قلعه دختر ابهامات زیادی وجود دارد و تاریخ این دو قلعه در نزد عموم، با افسانه‌ها و روایت‌های غیرواقعی آمیخته شده، اهمیت دیگر این مقاله اینست که ابهامات موجود درباره پیشینه و تاریخ قلعه اردشیر و قلعه دختر به عنوان دو بنای شاخص در شهر امروزی کرمان را برطرف می‌نماید. در این پژوهش، به این پرسش‌ها پاسخ داده خواهد شد که قلعه دختر و قلعه اردشیر با کدام نام‌های مذکور در منابع تاریخی مطابقت دارند؟ و دلیل نام‌گذاری این دو قلعه چیست؟ برای دست‌یابی به پاسخ این سوالات، به پژوهش در متون تاریخی و بررسی باستان‌شناختی در این دو قلعه پرداخته شده است.

۱-۱. پیشینه تحقیق

تا قبل از مطالعات میدانی باستان‌شناسی ریاحیان در قلعه دختر و قلعه اردشیر در سال ۱۳۹۸، گزارشی از فعالیت‌های بررسی و کاوش باستان‌شناسی در این مجموعه منتشر نشده است. هرچند قلعه دختر در طرح مرمت در سال ۱۳۸۸ بررسی و مطالعه شد، اما گزارش و نتایج آن مطالعات، بیشتر ویژگی‌های معماری این قلعه را دربرمی‌گیرد (مهندسین مشاور استوناوند افراز، ۱۳۸۸). با وجود این، قلعه دختر و قلعه اردشیر در نوشته‌های برخی از پژوهشگران مورد توجه قرار گرفته‌اند، از جمله: باستانی‌پاریزی در کتاب «وادی هفت‌واد» اشاره داشته که قلعه اردشیر شاید در زمان اردشیر بابکان و پسر اردشیر (حاکم کرمان) ساخته شده باشد و پیش از آن قلعه دختر و قلعه کهنه از شهر دفاع و حفاظت

می‌نموده است (باستانی‌پاریزی، ۱۳۹۴: ۴۲). منصوری نیز، در مقاله‌ای با عنوان «دو دوره سازمان فضایی در شهر ایرانی: قبل و بعد از اسلام؛ با استعانت از شواهد تحولات شهر کرمان»، ساخت قلعه‌های دختر و اردشیر را در کنار هم، برای جدا کردن سپاهیان از مرکز مذهبی (قلعه دختر) و در واقع حفظ حرمت آن دانسته‌است (منصوری، ۱۳۸۶: ۵۵). همچنین مینایی و تجلی در مقاله‌ای با موضوع مطالعه فضای شهری کرمان، قلعه اردشیر و قلعه دختر را هسته اولیه شکل‌گیری شهر کرمان دانسته‌اند (Minaei and Tajjali, 2009: 151). پوراحمد نیز در کتاب «جغرافیا و ساخت شهر کرمان»، قلعه اردشیر و قلعه دختر را قدیمی‌ترین هسته‌های سکونت در شهر کرمان و به عنوان مقر نظامی سیاسی دانسته‌است (پوراحمد، ۱۳۷۰: ۲۵). زنگی‌آبادی نیز در کتاب «جغرافیا و برنامه‌ریزی شهر کرمان» همچون پوراحمد، قلعه دختر و قلعه اردشیر را از آثار قبل از اسلام و هسته اولیه شهر کرمان عنوان کرده و قلعه دختر را داخل بافت قدیم و قلعه اردشیر را در حاشیه بافت قدیم دانسته‌است (زنگی‌آبادی، ۱۳۷۰: ۴۰). همچنین ریاحیان در مقاله «نویافته‌های قلعه دختر و قلعه اردشیر»، به توصیف قلعه دختر و قلعه اردشیر و یافته‌های آن‌ها پرداخته و او نیز این قلعه‌ها را از آثار دوران ساسانی دانسته‌است (ریاحیان، ۱۳۹۸). کمانداری در مقاله «بررسی سیر تحولات تاریخی شهر و بافت کهن کرمان از زمان ساسانیان تا قاجاریه»، شکل‌گیری شهر کرمان را به دوره ساسانی و بر ارتفاعات قلعه دختر و قلعه اردشیر نسبت داده‌است (کمانداری، ۱۴۰۰: ۱۲۱). با وجود این، هیچ‌یک از مطالعات فوق، فهم دقیقی از ارتباط دو نام قلعه دختر و قلعه اردشیر با نام‌های مذکور در متون تاریخی به دست نمی‌دهند.

۲. بحث و بررسی

۲-۱. موقعیت قلعه دختر و قلعه اردشیر

قلعه دختر در یکی از محلات قدیمی شهر کرمان، روی صخره‌ای در شرق این شهر قرار دارد. طول جغرافیایی آن "۴۰' ۰۵" ۵۷°، عرض جغرافیایی آن "۲۷' ۱۷" ۳۰° و ارتفاع آن از

سطح دریا ۱۷۶۵ متر است. بلندترین نقطه قلعه‌دختر نسبت به سطح زمین‌های اطراف، ۶۰ متر اختلاف ارتفاع دارد. مساحت کلی قلعه‌دختر حدود ۱۰ هکتار است (تصویر ۱). قلعه اردشیر نیز در انتهای شرقی محدوده بافت تاریخی شهر کرمان، در فاصله ۵۰۰ متری در جنوب شرقی قلعه دختر، بر بلندای صخره‌ای کوه مانند قرار گرفته‌است. طول جغرافیایی آن $۱۵^{\circ} ۰۶' ۵۷''$ ، عرض جغرافیایی آن $۱۴^{\circ} ۱۷' ۳۰''$ و ارتفاع آن از سطح دریا به طور میانگین ۱۸۷۰ متر است. بلندترین نقطه قلعه اردشیر با پست‌ترین نقطه آن ۱۲۰ متر اختلاف ارتفاع دارد. مساحت کلی قلعه اردشیر حدود ۱۰ هکتار است (تصویر ۱).



تصویر ۱: عکس هوایی قلعه دختر (قسمت بالا) و قلعه اردشیر (قسمت پایین) در شهر کرمان (سازمان نقشه‌برداری کشور، ۱۳۳۵)

۲-۲. بررسی باستان‌شناختی قلعه دختر و قلعه اردشیر

۲-۲-۱. قلعه دختر

قلعه‌دختر بر صخره‌ای مرتفع و مشرف بر چشم‌انداز دشت کرمان بنا شده‌است. این صخره مرتفع، به صورت طولی از شرق به غرب کشیده شده و طول آن بیش از ۷۲۰ متر است. معماری قلعه‌دختر، از توپوگرافی این صخره پیروی کرده‌است. برخی از فضاها معماری قلعه‌دختر، بر تخته‌سنگ‌های بزرگ شکل گرفته و در برخی دیگر، با تراش بستر کوه، فضایی برای ساخت‌وساز فراهم شده و بناهایی با مصالح خشت، سنگ لاشه، ساروج و گچ

و آهک شکل گرفته است. بر پایه بررسی میدانی نگارندگان در قلعه دختر، ساختارهای معماری آن از شرق به غرب به شرح زیر است:

در انتهای شمالی بخش شرقی، قسمت‌هایی از یک بارو و ورودی و در انتهای شرقی محوطه، باروی دیگری بر جای مانده است. در انتهای جنوبی بخش شرقی نیز برج دفاعی با تیرکش‌ها و روزنه‌های دیده‌بانی ساخته شده است. همچنین، در بخش شرقی مجموعه، آثار معماری دو و سه طبقه برجای مانده است (تصویر ۲). به نظر می‌رسد این بناها در چند دوره ساخته و بازسازی شده‌اند. چنان‌که بخشی از قوس‌ها از نوع مازهدار و برخی دیگر از نوع تیزه‌دار هستند. قوس‌های مازهدار در این بخش شبیه قوس‌های قلعه دختر بم (ساسانی - صدراسلامی) هستند (برای مقایسه بنگرید به Anisi, 2012: 197).



تصویر ۲: ساختارهای بخش شرقی قلعه دختر (نگارنده اول، ۱۳۹۹)

در بخش میانی قلعه دختر نیز بقایای معماری زیادی وجود دارد. اغلب این بناها روی صف‌های مصنوعی خشتی ساخته شده‌اند و در قسمت جنوب آن، بارویی خشتی و یک برج برجای مانده است. با توجه به ارتفاع طبیعی در شمالی‌ترین قسمت از بخش میانی، احتمالاً ساختارهای معماری این بخش، بناهای حاکم‌نشین بوده‌اند. بخش‌های غربی ناحیه مرکزی قلعه دختر، از فضاهای وسیع و بدون ساختارهای معماری تشکیل شده که به عنوان حیاط کاربرد داشته است.

در شمال غربی بخش میانی قلعه دختر، یک دروازه عریض سواره‌رو و نیمه‌ویران، یک درگاه کوچک پیاده‌رو و یک برج مرتفع و توپر وجود دارد (تصویر ۳). در نگاه اول به

نظر می‌رسد این برج توپر به عنوان پشت‌بند برای استحکام بارو ایجاد شده‌است. اما احتمالاً این برج در زمان استفاده از قلعه دختر، ارتفاع بیشتری داشته و بخش فوقانی آن توخالی و محل دیده‌بانی بوده‌است و در دوره‌های بعد به صورت عمدی با خشت پر شده‌است. در جنوب بخش میانی قلعه دختر، بقایایی از حوضچه آب آجری با اندود ساروج و دو ردیف تنبوشه به قطر چهار سانتی‌متر وجود دارد.



تصویر ۳: راست: دروازه سواره‌رو، چپ: دروازه پیاده‌رو و برج در شمال غربی بخش میانی (نگارنده اول، ۱۳۹۹)

در انتهای شمالی از غربی‌ترین بخش از قلعه دختر نیز دروازه دیگری برجای مانده که با دو برج نیم‌دایره‌ای احاطه شده‌است. شاخصه برج‌های نیم‌دایره‌ای در دو طرف دروازه، وجود تیرکشی‌ها و روزنه‌های دیده‌بانی است. به گفته ساکنان محلی، تا سال‌های قبل در انتهای جنوبی بخش غربی، دروازه دیگری وجود داشته که در ساخت‌وسازهای شهری جدید ویران شده‌است.

۲-۱-۱-۲. تختگاه آقامحمدخان

شواهدی از عناصر معماری خشتی در انتهای جنوب شرقی قلعه دختر روی صخره‌ای عظیم برجای مانده که در میان اهالی شهر، با نام تختگاه آقامحمدخان شناخته می‌شود (تصویر ۴). در حالی که بر اساس فرم معماری و مقایسه با برج توپر بخش شمال غربی به نظر می‌رسد این عنصر نیز یک برج دیده‌بانی بوده که دید گسترده‌ای به نمای شهر داشته و بخش فوقانی آن فروریخته، اما بخش پایینی آن به صورت توپر باقی مانده‌است. در بدنه این سازه،

روزنه‌های دیده‌بانی نیز وجود دارد. به نظر می‌رسد راه ارتباطی این سازه با بخش‌های دیگر، از طریق باروی قلعه دختر بوده است.



تصویر ۴: تختگاه آقامحمدخان یا برج توپر دیده‌بانی (نگارنده اول، ۱۳۹۹)

۲-۲-۱-۲. مصالح معماری قلعه دختر

خشت عنصر ساختمانی غالب در قلعه دختر است. خشت‌هایی با ابعاد متنوع در نقاط مختلف قلعه دختر به کار رفته است. کوچک‌ترین خشت‌های قلعه دختر کرمان $۲۳ \times ۲۳ \times ۴$ سانتی‌متر و بزرگ‌ترین آن‌ها $۱۷ \times ۳۰ \times ۵۱$ سانتی‌متر است (تصویر ۵). بزرگ‌ترین خشت‌های قلعه دختر دارای ابعادی هستند که در دوران اسلامی مرسوم نبود و آشکارا به دوران پیش از اسلام تعلق دارند. بر پایه بررسی‌های میدانی در قلعه دختر، افزون بر خشت از آجر نیز در ساخت بناها استفاده شده است. آجرهایی در اضلاع $۲۰ \times ۲۰ \times ۲,۵$ و $۲۲ \times ۲۲ \times ۸$ سانتی‌متر در قسمت‌های مختلف قلعه دختر دیده می‌شود.



تصویر ۵. خشت‌های ۱۶×۵۱ و ۱۹×۴۱ سانتی‌متری در قلعه دختر (نگارنده، ۱۳۹۹)

۲-۲-۲. قلعه اردشیر

قلعه اردشیر شامل ساختارهایی است که در برخی از فضاها، آثار معماری آن به تلی از خاک بدل شده‌اند و بناهایی که پابرجا مانده‌اند، همگی با رسوبات پر شده‌اند. قلعه شامل بخش‌های مختلفی مانند چهار ردیف حصار، خندق، دروازه ورودی، حاکم‌نشین و تعدادی اتاق است. در پیرامون این قلعه بقایای یک خندق قدیمی نیز قرار داشته‌است که با گذشت زمان و انباشت رسوبات و ماسه بادی پر شده‌است.

در قلعه اردشیر برای محافظت از قلعه، چهار حصار ایجاد شده که امروزه سه ردیف از آن‌ها سالم باقی مانده‌است (تصویر ۶). از حصار اول دیواره کمی باقی مانده‌است. در بین حصار اول و دوم تعدادی فضای مسکونی ساخته شده که باعث از بین رفتن بخش زیادی از حصار اول شده‌است. بیشترین آثار باقی مانده از حصارها در سمت جنوب غربی تا جنوب شرقی قلعه قرار دارد که در برخی بخش‌ها، ارتفاع حصار به ویژه در جبهه جنوب غربی بیش از ۲۰ متر است. حفاصل حصارهای این قلعه برج‌هایی با پلان گرد و چهارگوش برای دیده‌بانی و محافظت از قلعه تعبیه شده‌است. همچنین در میان حصارها تعدادی مزغل برای تیراندازی وجود دارد. به دلیل عوارض طبیعی، مسیر دسترسی به قلعه اردشیر از جبهه شمالی در سمت پایین قلعه است و دروازه ورودی در حصار دوم قرار دارد (تصویر ۷). سازندگان قلعه برای جلوگیری از حملات دشمنان و افزایش امنیت آن، مسیر کوچکی را برای ورودی قلعه طراحی کرده و برج و باروهایی در این مسیر ساخته‌اند.



تصویر ۶: حصارهای باقی مانده از قلعه اردشیر (ریاحیان، ۱۳۹۸)



تصویر ۷: دروازه ورودی حصار دوم قلعه اردشیر (ریاحیان، ۱۳۹۸)

بخش حاکم‌نشین در سمت جنوب و در بالاترین قسمت قلعه قرار دارد (تصویر ۸). موقعیت بی‌نظیر و جانمایی هوشمندانه این قسمت و تسلط کافی بر محدوده اطراف قلعه دارای اهمیت بسیاری است. بیشترین آثار قلعه در این قسمت وجود دارد که بخشی از آن به علت نصب دکل مخابرات آسیب دیده است. برج‌های دیده‌بانی در سمت جنوب غربی آن ساخته شده و مصالح همگی آنها سنگ است. راه نفوذ دشمنان به این بخش، با توجه به پرتگاه بسیار عمیق در پشت آن و حصار بلند تا ارتفاع ۲۰ متر عملاً مسدود بوده است.



تصویر ۸: عکس هوایی بخش حاکم‌نشین قلعه اردشیر (ریاحیان، ۱۳۹۶)

۲-۲-۱. مصالح معماری قلعه اردشیر

مصالح معماری قلعه اردشیر، خشت خام به همراه ملاط گل، آجر و در بخش‌هایی از جمله در برج‌های دیده‌بانی جبهه جنوب غربی و جنوب شرقی، دیوارهای مرکز قلعه، بخش حاکم‌نشین قلعه و حصارهای جنوب شرقی از سنگ در پی دیوارها استفاده کرده‌اند. لایه‌های متعدد خشت و آجر و ابعاد متفاوت آن‌ها، نشانگر بازسازی‌های قلعه در دوره‌های

مختلف است. بر پایه بررسی‌های میدانی نگارنده اول در قلعه اردشیر، خشت‌هایی با ابعاد متنوع در نقاط مختلف قلعه اردشیر به کار رفته است. کوچک‌ترین خشت‌های قلعه اردشیر کرمان $۲۱ \times ۲۱ \times ۶$ سانتی‌متر و بزرگ‌ترین آن‌ها $۵۴ \times ۵۴ \times ۱۷$ سانتی‌متر است (تصویر ۵). در قلعه اردشیر نیز همانند قلعه دختر، خشت‌هایی با ابعاد بزرگ‌تر از ۴۰ سانتی‌متر عمدتاً به دوران پیش از اسلام تعلق دارند، زیرا چنین ابعادی در خشت‌های دوران اسلامی رایج نبود. افزون بر خشت از آجر نیز در ساخت بناها استفاده شده است. آجرهایی در اضلاع $۲۳ \times ۲۳ \times ۴$ و $۳۰ \times ۳۰ \times ۶$ سانتی‌متر در قسمت‌های مختلف قلعه اردشیر دیده می‌شود.



تصویر ۹. راست: خشت ۵۴×۱۷ سانتی‌متر و چپ: آجر ۲۶×۵ سانتی‌متری در قلعه اردشیر (نگارندگان، ۱۴۰۰)

۲-۲-۳. مواد فرهنگی

در بررسی باستان‌شناختی قلعه دختر و قلعه اردشیر، یافته‌های منقولی از قبیل سفال، کاشی، قطعات گچبری و شیشه نیز شناسایی و ثبت شد که شاخص‌ترین آنها، سفال‌های به‌دست آمده از این دو قلعه هستند. قطعات سفال‌های این دو قلعه با اندک تفاوتی بسیار شبیه هم هستند.

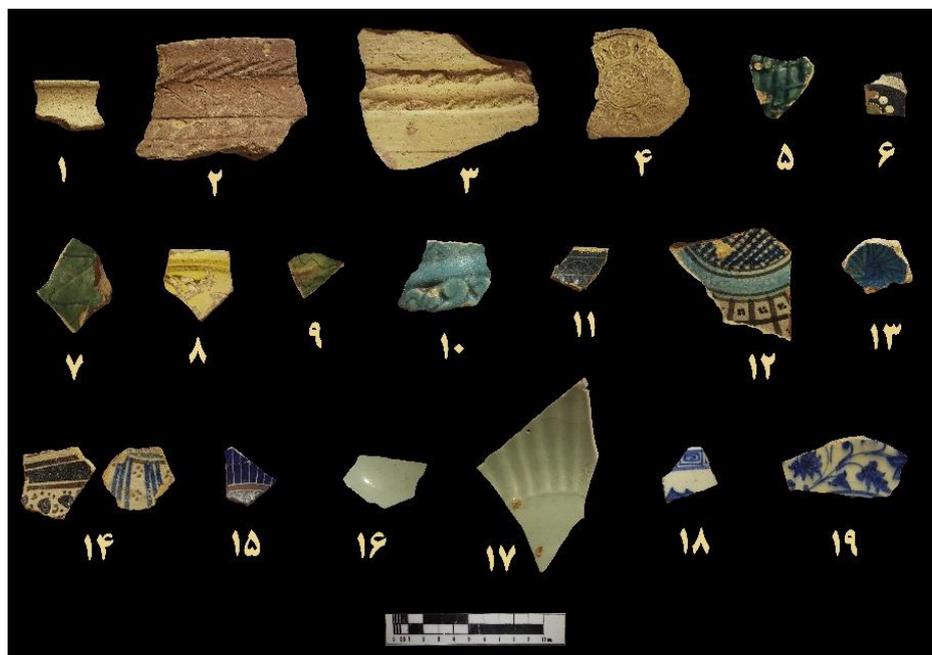
قطعات سفال حاصل از کاوش و بررسی در قلعه دختر، گونه‌های مختلف بدون‌لعباب و لعابدار را شامل می‌شوند (جدول ۱). از نظر آماری، یافته‌های بدون‌لعباب و نمونه‌های لعابدار تکرنگ، درصد قابل توجهی از قطعات سفال را به خود اختصاص داده‌اند. سفال‌های بدون‌لعباب قلعه دختر به دو گروه ساده و منقوش تعلق دارند. سفال‌های ساده بدون‌لعباب، سفال غالب محوطه قلعه دختر را تشکیل می‌دهد و از نوع سفال‌های رایج در ادوار تاریخی و اسلامی هستند. سفال‌های منقوش بدون‌لعباب به پنج گروه نقش‌کننده، فشاری،

قالب زده، افزوده و استامپی تقسیم می‌شوند. طیف رنگی سفال‌های لعابدار تک‌رنگ در قلعه‌دختر، فیروزه‌ای، سبز روشن، سبز تیره، آبی، قهوه‌ای و سفید است. برخی از این قطعات با نقوش افزوده، کنده، قالبی و خراشیده آراسته شده‌اند. سفال لعابدار با پوشش گلی با نقش و طرح روشن و سفید و زمینه تیره نیز در قلعه‌دختر به دست آمده است. تعداد محدودی سفال اسگرافیتو با لعاب پاشیده نیز در قلعه‌دختر شناسایی شد که با رنگ‌های زرد طلایی، قهوه‌ای و سبز پوشیده شده‌اند. همچنین سه قطعه سفال عسلی فام با لعاب شفاف زردرنگ با نقوش قهوه‌ای و نقشمایه هندسی شناسایی شده است. در قلعه‌دختر سفال‌هایی با تزئین نقاشی زیرلعاب نیز شناسایی شده است. این نمونه‌ها شامل گونه فیروزه‌ای قلم‌مشکی، سیلوت، سلطان‌آبادی و نقاشی زیرلعاب چندرنگ در زمینه سفید است. از یافته‌های دیگر در قلعه‌دختر، گونه سفال سلاذن در دو طیف رنگی سبز و خاکستری با خمیره رسی محلی و خمیره چینی وارداتی است. تعداد زیادی سفال گونه آبی و سفید نیز با خمیره رسی و چینی در قلعه‌دختر شناسایی شده است.

جدول ۱. گونه‌های سفال قلعه‌دختر و گاهنگاری آن‌ها (نگارندگان، ۱۴۰۱)

ردیف	گونه سفال	گاهنگاری	منبع مقایسه
۱	ساده بدون لعاب با خمیره رسی نخودی	ساسانی - اسلامی	Priestman, 2005: 393, pl. 15
۲	بدون لعاب با خمیره رسی قرمز و نقش کنده و فشاری	ساسانی - اسلامی	Priestman, 2005: 395, pl. 25
۳	بدون لعاب با خمیره رسی نخودی و نقش افزوده	ساسانی - اسلامی	Priestman, 2013: 683, pl. 6
۴	بدون لعاب با خمیره رسی نخودی و نقش مهری	سده پنجم تا هفتم ه.ق.	سهرابی نیا و تقوی، ۱۳۹۸: ۱۶۵: ۵: ۱
۵	لعابدار تک‌رنگ با خمیره رسی و نقش افزوده	سده دوم تا چهارم ه.ق.	اسمعیلی جلودار و توفیقیان، ۱۳۸۸: ۱۱۷ امیرحاجلو و سقایی، ۱۳۹۷: ۲۱۴: ۲: ۱۱۳
۶	منقوش گلابه‌ای با خمیره رسی	سده سوم تا ششم ه.ق.	Priestman, 2013: 700, pl. 103 عطایی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۱۵: ۶۱: ۱۵۹
۷	لعابدار تک‌رنگ با خمیره رسی و نقش افزوده	سده چهارم تا ششم ه.ق.	Priestman, 2013: 697, pl. 88

Priestman, 2013: 697, pl. 89 Kennet, 2004: 174, pl. 6	سده چهارم تا ششم ه.ق	لعب‌دار عسلی فام با خمیره رسی و نقش کنده	۸
Priestman, 2005: 404, pl. 101	سده چهارم تا هفتم ه.ق	اسگرافیاتو با لعب پاشیده با خمیره رسی	۹
Priestman, 2005: 412, pl. 164	سده ششم تا هفتم ه.ق	لعب‌دار تک‌رنگ با خمیره رسی و نقش قالب‌زده	۱۰
امیرحاجلو و صدیقیان، ۱۳۹۹: ۱۷۰: ۷: ۱۰	سده هفتم تا هشتم ه.ق	سیلوئت	۱۱
Priestman, 2013: 701, pl. 111 موسوی‌حاجی و عطایی، ۱۳۸۹: ۶۱	سده هفتم تا نهم ه.ق	منقوش زیر لعب با خمیره رسی	۱۲
همتی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۹۸: ۱۲	سده هفتم تا نهم ه.ق	فیروزه‌ای قلم‌مشکی با خمیره رسی	۱۳
موسوی‌حاجی و عطایی، ۱۳۸۹: ۳۰۳: ۳۸: ۲۰	سده هشتم ه.ق	سلطان‌آبادی با خمیره رسی	۱۴
-----	سده هشتم تا نهم ه.ق	لاجوردینه	۱۵
امامی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳: A	سده هشتم ه.ق	سلادن ساده با خمیره رسی	۱۶
Priestman, 2005: 416, pl. 195	سده هشتم ه.ق	سلادن تزئینی با خمیره چینی	۱۷
Priestman, 2005: 424, pl. 257	سده نهم تا یازدهم ه.ق	آبی‌وسفید با خمیره رسی	۱۸
Priestman, 2005: 410, pl. 151 موسوی‌حاجی و عطایی، ۱۳۸۹: ۳۰۶: ۴۳: ۵۱	سده نهم تا یازدهم ه.ق	آبی‌وسفید با خمیره رسی	۱۹



تصویر ۱۰. نمونه سفال‌های شناسایی شده در قلعه دختر (نگارنده اول، ۱۴۰۱)

سفال‌های قلعه اردشیر نیز شامل گونه‌های ساده بدون لعاب، منقوش بدون لعاب و سفال لعابدار هستند (جدول ۲). نمونه‌های منقوش بدون لعاب با تکنیک‌های نقش کنده، فشاری، قالب‌زده، افزوده و استامپی تزئین شده‌اند. بیشترین فراوانی قطعات سفال لعابدار قلعه اردشیر نیز شامل گونه لعابدار تک‌رنگ فیروزه‌ای، سبز روشن، سبز تیره، آبی، قهوه‌ای و سفید است و برخی از آنها با نقوش افزوده، کنده و قالبی تزئین شده‌اند. همچنین قطعات لعابدار از گونه گلابه‌ای یا پوشش گلی (زیرگونه‌های نقش تیره بر زمینه روشن، نقش روشن بر زمینه تیره، عسلی‌فام، ساری یا رنگارنگ)، قطعات سفال لعاب پاشیده، اسگرافیتو، زرین‌فام با خمیره بدل چینی، گونه سفال لاجوردینه، سفال‌های نقاشی زیرلعاب (زیرگونه‌های فیروزه‌ای قلم مشکی، سلطان‌آبادی و چندرنگ بر زمینه سفید) و سلادن‌های وارداتی نوع یوئه هستند.

جدول ۲. گونه‌های سفال شناسایی شده در قلعه اردشیر (نگارندگان، ۱۴۰۱)

ردیف	گونه سفال	گاهنگاری	منبع مقایسه
۱	بدون لعاب ساده	ساسانی - اسلامی	(Priestman, 2005: 393, pl. 15)
۲-۵	بدون لعاب منقوش (نقش کنده، افزوده، قالبی، فشاری، استامپی)	ساسانی تا سده‌های میانی اسلامی	Bivar, Morgan & Leatherby, 1987 Wilkinson, 2000: 442 چوبک، ۱۳۹۱: ۸۹ 1973: 356-357
۶-۸	لعاب تکرنگ ساده	ساسانی - اسلامی	(Priestman, 2005: 403, pl. 95)
۹	لعاب تکرنگ با نقوش افزوده، کنده، قالبی، خراشیده یا شانه‌ای	سده دوم تا پنجم ه.ق	Watson, 2004: 306 زارعی و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۴ کلایس و کالمیر، ۱۳۸۵: ۲۷۵
۱۰	لعابدار سبز با نقوش افزوده (سفال‌های تجاری)	ساسانی - اسلامی	اسمعیلی جلودار و مرتضایی، ۱۳۹۱: ۲۶
۱۱-۱۳	گلابه‌ای	سده سوم تا پنجم ه.ق	Priestman, 2013: 599-600 چوبک، ۱۳۹۱: Wilkinson, 1973: 110, 120 ۱۰۵
۱۴-۱۵	عسلی فام	سده چهارم تا ششم ه.ق	چوبک، ۱۳۹۱: 697 Kennet, 2004: 6
۱۶	گونه ساری یا رنگارنگ	سده سوم تا پنجم ه.ق	توحیدی، ۱۳۹۲: ۲۶۳ براری و یزدان پناه، ۱۳۹۶: ۹۶
۱۷	لعاب پاشیده	سده چهارم تا هفتم ه.ق	Priestman, 2013: 572; Treptov. 2007: 34
۱۸	اسگرافیتو	سده چهارم تا هفتم ه.ق	Wilkinson, 1973: xiv, 67; Priestman, 2013: 74, 591, 698; Kennet, 2004: 46, 175
۱۹	زرین فام	سده ششم و هفتم ه.ق	Watson, 1985 روح‌فر، ۱۳۸۸
۲۰	لاجوردینه	سده هشتم و نهم ه.ق	توحیدی، ۱۳۹۲: ۲۸۱-۲۸۲
۲۱-۲۳	نقاشی چندرنگ زیر لعاب	سده هفتم تا نهم ه.ق	Bivar, 2000: 417-420; Treptow, 2007: 38; Kennet, 2004: 58, 142; Priestman, 2013: 624, 702
۲۴	فیروزه‌ای قلم مشکی	سده هفتم تا نهم ه.ق	Priestman, 2005: 408 عطایی، ۱۳۸۹: ۱۰۵

۲۵	سلطان آبادی	سده هفتم و هشتم ه.ق	Morgan, 1995: 19; Fehervari, 2000: 223
۲۶	سلادن نوع یوئه	سده سوم تا پنجم ه.ق	امامی و همکاران، ۱۳۹۸: ۵



تصویر ۱۱. نمونه سفال‌های شناسایی شده در قلعه اردشیر (نگارنده اول، ۱۴۰۱)

۲-۳. تحلیل مکان‌یابی قلعه کوه و قلعه کهن

در شاهنامه فردوسی، در داستان کرم، بنیان‌گذاری شهر کرمان توضیح داده شده‌است. دختر هفتواد فرد اصلی این داستان است. کسی که کرم را درون سبب پیدا کرد. همچنان که اندازه کرم افزایش می‌یافت، بخت خانواده نیز افزون می‌شد و همچنین مالیات آن‌ها از طرف امیر محلی افزایش می‌یافت. دیری نپایید که علیه امیر محلی شورش کردند و شهر را تصرف کردند. پس از آن هفتواد، دژی بر بالای کوه ساخت و دری آهنین بر آن تعبیه کرد (ن.ک: فردوسی، ۱۳۸۸: ۱۰۷۸-۱۰۸۶). اگرچه بدون شواهد ملموس و عینی باستان‌شناسی، پذیرش این روایت به عنوان یک داستان واقعی دشوار است و باید آن را

داستانی افسانه‌ای دانست، اما در منابع دیگر نیز ذکر شده‌است، از جمله در کتاب کهن کارنامه اردشیر پاپکان به زبان پهلوی که در روزگار ساسانیان توسط دبیران زرتشتی نوشته شده بود و چندین نسخه از آن با آوانگاری‌های مختلف در دست است (ن.ک: کارنامه اردشیر بابکان، ۱۳۲۹). همچنین در تاریخ طبری دو گزارش متفاوت از این داستان ثبت شده که از نظر تاریخی یکی پیش از پیروزی اردشیر بر اردوان و دیگری در پایان سلطنتش واقع شده‌است (ن.ک: طبری، ۱۳۷۵، ج ۲: ۵۸۲ و ۵۸۴). باستانی‌پاریزی وجود قلعه دختر در حاشیه شهر کرمان را در تأیید افسانه بنیان‌گذاری شهر کرمان می‌داند و این گونه اذعان می‌کند: «به نظر می‌رسد که خاطره این دختر در افسانه‌های مردمی توپوگرافی شهر کرمان بیشتر دوام آورده‌است؛ در این ناحیه، ویرانه‌های قلعه دختر در نزدیکی ویرانه‌های دژی موسوم به قلعه اردشیر در حاشیه شهر قرار گرفته‌است» (باستانی‌پاریزی، ۱۳۶۸: ۱۶۴-۱۵۶). ایلونا مارکوس، این نام‌های توپوگرافیک را بقایای داستان گمشده‌ای می‌داند که ظاهراً در آن، دختر نقش پررنگ‌تر و بزرگ‌تری را در رویارویی با اردشیر مهاجم بازی کرده‌است. از نظر او این افسانه کرم، احتمالاً به دلایل ریشه‌شناسی عامیانه کلمات، تبدیل به افسانه بنیان‌گذاری کرمان شده‌است (ن.ک: ایلونا مارکوس، ۱۳۹۶: ۲۵).

احمد علی خان وزیری در کتاب جغرافیای کرمان به این اشاره کرده‌است که «در اواخر دوره اشکانیان، حاکم کرمان هفتواد نام داشت و او قلعه‌ای را در بالای کوهی که اکنون به فاصله چهارصد گام در مشرق شهر واقع شده و مشهور به قلعه دختر است را بساخت» (وزیری، ۱۳۷۶: ۱۰۲). «اردشیر بعد از شکست دادن هفتواد، کرمان را تصرف کرد و بنای عظیم این شهر را گذاشت که اکنون آثار حصار و خندق آن در خارج شهر باقی است و آن را موسوم به گواشیر نمود» (همان: ۱۰۳). محتوای کتاب جغرافیای کرمان وزیری نشان می‌دهد قلعه دختر، قبل از اردشیر ساسانی و در اواخر دوران اشکانی، در زمان هفتواد ساخته شده و نسبت به قلعه اردشیر کهن‌تر است. اما قلعه اردشیر توسط اردشیر ساسانی و پس از تسلط او بر هفتواد و بر شهر کرمان ساخته شده‌است. اما در ادامه مقاله اشاره خواهد شد که شواهد باستان‌شناسی و نمونه‌های سفال قلعه اردشیر و قلعه دختر به دوره ساسانی

تعلق دارند و برای انتساب قلعه دختر به دوره قبل از ساسانیان، شواهد باستان‌شناسی متقنی وجود ندارد.

«منشی کرمانی چنین نوشته که اردشیر پس از تصرف کرمان، در آن گنبد گنج و قلعه شهر را ساخته‌است و مردم را به نگهداری از قلعه سفارش کرده‌است» (منشی کرمانی، ۱۳۲۸: ۱۳). و حافظ ابرو هم روایت منشی کرمانی را تأیید کرده‌است (حافظ ابرو، ۱۳۷۵: ۱۳). حافظ ابرو همچنین اذعان دارد:

«دارالملک کرمان، بردسیر است و دو بارو دارد که باروی اصلی خراب است و بارویی که آخر ساخته‌اند (و هست و قلعه‌ای دارد بر شرقی شهر متصل به کوه و باروی دوم که ساخته‌اند) به قلعه متصل گردانیده‌اند. چنان که از یک طرف قلعه در اندرون شهر است» (حافظ ابرو، ۱۳۷۵: ۱۶).

با توجه به گفته حافظ ابرو، قلعه ساخته شده متصل به کوهی در شرق شهر بود و بخشی از قلعه، درون شهر قرار گرفته بود. وضعیت امروزی شهر کرمان نیز نشان می‌دهد که دقیقاً در حاشیه شرقی شهر، کوهی وجود دارد که بستر شکل‌گیری قلعه دختر و قلعه اردشیر بوده است. در حالی که در حاشیه شمالی، غربی و جنوبی شهر، هیچ کوهی وجود ندارد و نزدیک‌ترین کوه‌ها در فاصله ۱۵ کیلومتری شمال، ۱۱ کیلومتری غرب و ۲۵ کیلومتری جنوب شهر قرار دارند. بنابراین، موقعیت قلعه اردشیر بر بلندای کوه شرقی کرمان و قلعه دختر بر صخره‌ای سنگی در دامنه‌های این کوه، با توصیفات حافظ ابرو همخوانی دارد.

همچنین در خلاصه‌ای از بدایع الزمان آمده‌است که:

«در تاریخ ۳۱۰ هجری از طرف دولت سامانیان، ابوعلی محمد بن الیاس را که از عیار پیشگان خراسان بود را به کرمان فرستادند. وی سی و هشت سال بر کرمان حکومت کرد و باغ سیرگانی و بالیاباد و سرای اندرون شهر را بنا کرد و خندق و قلعه کوه و قلعه نو و بعضی از قلعه کهن از بناهای اوست که در آن گنبد گبران است از عمارت‌های قدیم» (افضل‌الدین کرمانی، ۱۳۳۱: ۵۴).

منشی کرمانی نیز در کتاب خود به این موضوع اشاره کرده‌است، اما با قاطعیت قلعه را از بناهای بوعلی محمد بن الیاس نمی‌داند. او این چنین آورده‌است:

«ابوعلی محمد بن الیاس که از عیار پیشگان خراسان بود را به حکومت کرمان فرستادند و مدت سی و هفت سال در کرمان حکومت کرد. باغ سیرجانی و دیه بعلیاباد و سرای اندرون شهر از بناهای اوست، و از این که بر سقف گنبدی که در قلعه کوه نوشته دیده‌اند استدلال می‌کنند که آن قلعه هم از ساخته‌های او شاید باشد. بناک ابن الیاس و حلک غیره کذی الدهر یمضی تاره و یعود» (منشی کرمانی، ۱۳۲۸: ۱۵).

حافظ ابرو نیز صحت این مطلب را تأیید کرده‌است (حافظ ابرو، ۱۳۷۵: ۲۱). همچنین افضل‌الدین کرمانی در کتاب عقد‌العلی نوشته‌است:

«ابوعلی محمد بن الیاس که نام او بر دروازه خبیص نبشته عمارت بارو کرده‌است. و خندق و قلعه کوه و قلعه نو و بعضی از قلعه کهن از بناء اوست و گویند از قلعه کهن گنبدی که او را گنبد گبر خوانند از عمارت‌های قدیم است و نام بانی آن ندانند و گویند آنکس که آن گنبد کرد گفت: بنیت قصرای بین جنتین. یعنی کوشکی میان دو بهشت بنا کردم چه از یک جانب ریاض و حدابق دیه آصف و شاهجانست و از جانب دیگر بساتین و مزارع دیه زریسف و فرمتین و شنیدم که این دو بیت بر در قلعه کوه نبشته‌اند و من طلب کردم و ندیدم. شعر:

بناک ابن الیاس و حلک غیره کذا الدهر یمضی تاره و یعود

بناک الذی لو قبل انت مخلد ابی و ادعی بعد الخلود خلود» (افضل‌الدین کرمانی، ۲۵۳۶: ۱۲۴).

همچنین بر پایه بررسی‌های میدانی باستان‌شناسی نگارندگان در قلعه دختر و قلعه اردشیر، گاهنگاری نمونه‌های سفال و مطالعه ابعاد خشت‌های به کار رفته در معماری، مشخص شد که معماری قلعه دختر و قلعه اردشیر به قبل از دوره ابن الیاس و دست کم به دوره ساسانی بازمی‌گردد و می‌توان فقط «بازسازی» هر دو قلعه را به ابن الیاس نسبت داد. با توجه به اینکه افضل‌الدین، قلعه کوه را در نزدیکی دیه زریسف و فرمتین دانسته (ن.ک: افضل‌الدین کرمانی، ۲۵۳۶: ۱۲۴)، و امروزه نیز قلعه اردشیر در نزدیکی فرمتین و زریسف قرار دارد، به نظر می‌رسد قلعه اردشیر با «قلعه کوه» در نوشته افضل‌الدین مطابقت دارد.

در زمان سلجوقیان بارها به قلعه کوه و قلعه کهن اشاره شده‌است. برای نمونه، اتابک ایبک در زمان ملک تورانشاه، در خانه اتابک بوزقش در نزدیکی قلعه کهنه و دروازه جدید سکونت گزید (ن.ک: افضل‌الدین، ۱۳۲۶: ۸۲؛ خبیصی، ۱۳۷۳: ۱۰۰). با توجه به

اینکه قلعه دختر داخل بافت تاریخی شهر کرمان قرار داشته، دروازه‌های شهر کرمان نیز می‌بایست در نزدیکی قلعه دختر قرار داشته باشند، نه در نزدیکی قلعه اردشیر که در خارج از بافت تاریخی قرار دارد (تصویر ۱۲). بنابراین، با توجه به گفته‌های افضل‌الدین و خبیصی، قلعه کهنه را می‌توان همان قلعه دختر به حساب آورد.



تصویر ۱۲: بخش مرکزی و حاشیه‌ای بافت کهن کرمان و قرارگیری قلعه دختر درون حاشیه بافت کهن و قلعه اردشیر در خارج از بافت کهن (غضنفرپور و علمیرادی، ۱۳۹۱: ۱۸۵)

محمد ابراهیم خبیصی در کتاب سلجوقیان و غز به طبلی در بالای قلعه کوه در هنگام حمله غزها اشاره می‌کند. این طبلی را در هنگام حمله دشمنان می‌نواختند (ن.ک: خبیصی، ۱۳۷۳: ۱۷۷). با توجه به متن خبیصی، اگر قرار بر گذاشتن طبلی بر بالای قلعه باشد، قلعه اردشیر از دیگر قلعه‌ها مناسب‌تر است چون به علت ارتفاع زیادش، اشراف کامل‌تری نسبت به دیگر قلعه‌ها بر نواحی پیرامون دارد.

در تاریخ سایکس اشاره شده است که در اواخر حکمت غزها، مردمی که در دو قلعه معروف به قلعه دختر حضور داشتند و هنوز آثار آن‌ها در حوالی شهر امروزی کرمان است، بر ضد نظام‌الدین برخاسته و عجم‌شاه را طلبیدند و او نظام‌الدین را گرفتار کرد اما نتوانست این دو قلعه را به تصرف درآورد. اما در ازای تحویل دادن نظام‌الدین به شبانکاره‌ها توانست قلعه‌ها را تصرف کند (ن.ک: سایکس، ۱۳۶۳: ۴۸-۴۷). سایکس قلعه اردشیر و قلعه دختر را مجزا ندانسته و هر دو قلعه را قلعه دختر معرفی کرده است. اما بر پایه سایر منابع تاریخی،

به نظر می‌رسد سایکس در معرفی نام این دو قلعه دچار خطا شده‌است. برای نمونه، خبیصی در روایتی، به وضوح کلیددار قلعه کهن را از کلیددار قلعه کوه مجزا دانسته‌است. به گفته خبیصی، در زمان امیر عزالدین فضلون، کلیددار قلعه کوه فردی مهربان بود و در مدت محاصره کسی را نرنجانده بود. اما کلیددار قلعه کهن فرد لجوجی بود که حاضر به تسلیم شدن نبود و بسیار مقاومت می‌کرد و مردم را بسیار اذیت می‌کرد. و عزالدین کلیددار قلعه کهن را به طبقه زیرین قلعه فرستاد (ن.ک: خبیصی، ۱۳۷۳: ۱۹۴). افضل‌الدین کرمانی، منشی کرمانی و حافظ ابرو نیز این دو قلعه را جدا از هم دانسته‌اند (ن.ک: افضل‌الدین کرمانی، ۱۳۳۱: ۵۴؛ منشی کرمانی، ۱۳۲۸: ۱۵؛ حافظ ابرو، ۱۳۷۵: ۲۱). بنابراین، نظر سایکس درباره یکی بودن دو قلعه و خوانده شدن هر دو با نام قلعه دختر قابل قبول نیست.

در زمان سلطان محمد خوارزمشاه، ملک زوزن به عنوان اتابک و امیر حاکم کرمان انتخاب شد. ملک زوزن در وصیت نامه خود به پسرش به گنج بسیار زیاد داخل قلعه اشاره می‌کند و از پسرش می‌خواهد در صورت مرگ خود تا هفت سال از قلعه بیرون نرود (ن.ک: حافظ ابرو، ۱۳۷۵: ۴۹). در منبعی مربوط به اواخر قرن پنجم هجری، به نام «الذخائر و التحف»، اثر قاضی بن الزبیر، در فصل پنجم کتاب، در گزارشی به ذخائر و گنجینه‌های نفیس محمد بن الیاس اشاره شده که در قلعه کرمان نگهداری می‌شده‌است (ن.ک: قاضی بن الزبیر، ۱۹۸۴: ۱۸۸-۱۸۷).

افضل‌الدین نیز در کتاب المضاف الی بدایع الازمان فی وقایع کرمان نوشته‌است: «ملک قوام‌الدین زوزنی در سال ۶۰۵ (خراجی) به کرمان آمد و دستور داد قلعه کوه را که به آن قلعه کبیری می‌گفتند و از ساخته‌های بوعلی محمد بن الیاس بود و چاهی بزرگ که درون قلعه بود را تخریب کنند. در حین تخریب قلعه به مقداری طلا و نقره دست پیدا کردند که آن‌ها را به خزانه پادشاهی منتقل کردند» (افضل‌الدین کرمانی، ۱۳۳۱: ۵۰).

باتوجه به گفته‌های حافظ ابرو و قاضی بن الزبیر درباره گنج‌های قلعه و مطابقت روایت آنها با روایت افضل‌الدین کرمانی، می‌توان قلعه مورد نظر حافظ ابرو و قاضی بن الزبیر را همان قلعه کوه دانست. همچنین در سال ۱۱۰۰ هجری جمال چاخوئی را با کلنگ و آلات حفاری دیده و دستگیر کردند. او اقرار نمود که در خرابه‌های شاه اردشیری دفینه یافته

است. بعد از آن سه روز تمام در آن خرابه‌ها به دنبال گنج بودند و دیوارهای عظیم را با خاک یکسان کردند اما از گنج خبری نبود و فهمیدند خبر دروغ بوده است (ن.ک: مشیزی، ۱۳۶۹: ۵۷۱).

«در ایام زمامداری شجاع‌الدین آل مظفر، ملک زوزن حاکم کرمان بود. براق حاجب از ملازمان خوارزمشاهیان در راه تصرف هند با لشکری به کرمان آمد و قصد تسخیر آن را کرد. در جنگی که بین این دو اتفاق افتاد براق حاجب پیروز شد و شجاع‌الدین و اتباع او را در بند کرد و پسر شجاع‌الدین در قلعه شهر متحصن شد و بعد از شش ماه ولایات حومه و سردسیر و قلعه کوه و باغ سیرکانی را فتح کرد. شهر و قلعه اندرونی در تصرف پسر شجاع‌الدین بماند تا اینکه سلطان جلال‌الدین در راه بازگشت از هند به کرمان آمد و شجاع‌الدین کلید شهر و قلعه و خزاین را به سلطان جلال‌الدین تقدیم کرد. سپس جلال‌الدین در سال ۶۲۱ هجری قلعه شهر را تاختگاه خود قرار داد و براق حاجب در قلعه کوه مستقر شد. غیاث‌الدین نیز برادر جلال‌الدین خوارزمشاه در فکر قتل براق حاجب برآمد. براق حاجب از این توطئه باخبر شد و غیاث‌الدین را در قلعه احضار کرد و به دار آویخت» (منشی کرمانی، ۱۳۲۸: ۲۳؛ حافظ ابرو، ۱۳۷۵: ۵۳-۵۲).

باتوجه به گفته منشی کرمانی و حافظ ابرو، قلعه کوه در بیرون از قلعه شهر واقع بوده‌است و براق حاجب به عنوان یک یاغی در برابر جلال‌الدین خوارزمشاه در آن مستقر شده‌است. باتوجه به بافت قدیم شهر کرمان که قلعه دختر در حریم بافت قدیم و قلعه اردشیر در حاشیه بافت قدیم شهر کرمان قرار دارد نمی‌توان قلعه کوه را همان قلعه دختر دانست (تصویر ۸).

در کتاب مواهب الهی معین‌الدین یزدی، قلعه کوه این گونه توصیف شده‌است:
 «و در یک طرفش قلعه کوه، که اندیشه بلند همتان بحضیض آن نمی‌رسید و وهم دوربینان از ادراک پایه آن قاصر می‌ماند. فرود باره رفیعش مخیم عمام جهان نما و دامن سور منبعض ملتعم برق آتش بای.

بتوان درو مشاهده کرد بچشم سر کیفیت کواکب و اشکال آسمان
 جاسوس اختران شود و ناظر فلک در سطح او بمدت نزدیک دیده‌بان» (یزدی، ۱۳۲۶: ۱۱۶).

بنابراین، معین‌الدین یزدی، بلندای قلعه کوه را ستوده است و بر این اساس، منطقی است که قلعه اردشیر را به علت ارتفاعش همان قلعه کوه بدانیم. در دوره آل مظفر، پهلوان اسد از طرف شاه شجاع به عنوان حاکم کرمان انتخاب شد. او به استحکام قلاع و باروی شهر پرداخت (ن.ک: کتبی، ۱۳۶۴: ۹۹). در کتاب جغرافیای حافظ ابرو اشاره شده است که خزینه و اموال مادر شاه شجاع در قلعه کوه بوده است و پهلوان اسد طغیان کرده و توانسته است قلعه کوه را تصرف و میراثی که در قلعه بود را تصاحب کند (ن.ک: حافظ ابرو، ۱۳۷۵: ۱۵۷). پهلوان اسد با لشکریانش در قلعه کوه مستقر شده بود و از طرف پهلوان علیشاه مزینانی که شهر کرمان در تصرف او بود در سختی و تنگنا قرار گرفته بود. عاقبت این دو پهلوان صلح کردند و پهلوان اسد قلعه را به پهلوان علیشاه سپرد. و در قدیم راهی از قلعه شهر به قصر بود و از پشت حمام قصر بیرون می‌آمد (ن.ک: کتبی، ۱۳۶۴: ۱۰۲). در جامع التواریخ آمده است که: «چون این قضیه اعلام پادشاه کردند، فرمود که بر قلعه شهر جازم باشید تا قلعه شهر بدهد که اگر قلعه شهر تولید او قلعه کوه دهد. البته طبیعت او کثر است. فی الجمله قلعه شهر تسلیم کرد» (فضل‌الله همدانی، ۱۳۷۳: ۹۳۵).

«سال ۷۷۶ ه. ق همسر پهلوان اسد با همدستی عده‌ای در اندیشه قتل او برآمدند. همسرش پهلوان کرد امیر را مسئول حفاظت برجی که حایل است میان قلعه مولانا و کوشک قرار داد. قرار بر آن گرفت که از قلعه دالانی به برج کرد بزنند. بعد از اتمام تونل صد نفر مسلح وارد قلعه شدند و اسد را کشتند. پسر اسد نیز به قلعه کوه پناه برد. پس از آن، امیر حسام‌الدین نگهبان قلعه کوه، قلعه را به پهلوان علیشاه تسلیم کرد. شاه شجاع نیز طلب دفتر ذخیره قلعه را کرد» (حافظ ابرو، ۱۳۷۵: ۱۷۱-۱۶۹).

بر اساس روایت‌های محمود کتبی و حافظ ابرو در دوره آل مظفر، قلعه کوه باید خارج شهر بوده باشد، زیرا شهر و قلعه شهر در اختیار پهلوان علیشاه بوده‌است و قلعه کوه در اختیار پهلوان اسد.

وزیری نیز این واقعه را این گونه شرح داده‌است:

«پهلوان اسد با لشکریانش در قلعه کوه مستقر شده بود و از طرف پهلوان علیشاه مزینانی که شهر کرمان در تصرف او بود در سختی و تنگنا قرار گرفته بود. همسرش رقعہ خاتون با همدستی عدہ- ای در اندیشه قتل پهلوان اسد برآمدند و او را در حمام قلعه به قتل رساندند. در قلعه بالای کوه حمام نبود و حمام آن در پایین بالای تل خاکی جنب کوه واقع شده، آن قلعه را کوشک سبز می- نامیدند و از زمان اردشیر بابکان نقبی از قلعه بالا به قلعه پایین بود که از آن تردد می- نمودند» (وزیری، ۱۳۹۶: ۵۳۵-۵۳۴).

باتوجه به متن وزیری دربارهٔ حمام قلعه، ارتفاع بلندترین و پست‌ترین نقطه قلعه اردشیر بیشتر از دیگر قلعه‌ها است و بالا بردن آب جهت استحمام کاری بسیار سخت است. با توجه به این موضوع، می‌توان قلعه اردشیر را همان قلعه کوه دانست.

۳. نتیجه‌گیری

تاریخ قلعه دختر و قلعه اردشیر به علت کمبود منابع تاریخی با داستان‌های زیادی آمیخته شده است و در کتب تاریخی با اسامی مختلفی برای این دو قلعه مواجه هستیم. می‌توان دلیل نامگذاری قلعه دختر و قلعه اردشیر را آمیخته شدن با داستان هفتواد دانست. داستانی که سال‌ها بعد از متروک شدن این دو قلعه، بر سر زبان‌ها افتاده است. داستانی که قلعه دختر را مربوط به هفتواد حاکم کرمان و دخترش مرتبط می‌داند و ساخت قلعه اردشیر را مرتبط با اردشیر که پس از شکست هفتواد و تصرف شهر کرمان، آن را ساخته است. روشن است نام گذاری قلعه دختر و قلعه اردشیر، در سده‌های اخیر صورت گرفته و این موضوع با متروکه شدن قلعه‌ها در دوره‌های اخیر بی‌ارتباط نیست. همچنین با توجه بررسی‌های میدانی باستان‌شناسی نگارندگان، زمان ساخت هر دو قلعه به قبل از دوره اسلامی و دست کم به دوره ساسانی می‌رسد و می‌توان بازسازی اساسی هر دو قلعه را متعلق به ابن الیاس در دوره سامانی دانست. با توجه به اینکه در شرح رویدادهای مختلف در متون تاریخی، قلعه بیرونی شهر اغلب با نام قلعه کوه معرفی شده و قلعه درون شهر با نام قلعه کهن یا قلعه کهنه توصیف شده است، و با توجه به اینکه قلعه دختر امروزی در حریم

بافت قدیم و قلعه اردشیر در حاشیه بافت قدیم شهر کرمان قرار دارد، می‌توان قلعه کوه را همان قلعه اردشیر و قلعه کهنه را همان قلعه دختر قلمداد کرد.

کتابنامه

- افضل‌الدین کرمانی، ابوحامد. (۱۳۲۶). *تاریخ افضل یا بدایع الازمان فی وقایع کرمان*. گردآورنده مهدی بیانی. تهران: دانشگاه تهران.
- افضل‌الدین کرمانی، ابوحامد. (۱۳۳۱). *المضاف الی بدایع الازمان فی وقایع کرمان*. تصحیح عباس اقبال. تهران: چاپخانه مجلس.
- افضل‌الدین کرمانی، ابوحامد. (۲۵۳۶). *عقد العلی للموقف الاعلی*. تصحیح علی محمد عامری نائینی. تهران: روزبهان.
- ایلونا مارکوس، کینگا. (۱۳۹۶). «از اسطوره‌ای ایرانی تا روایتی مردمی؛ افسانه اژدهاکش و دوشیزه ریسنده در شاهنامه فارسی». مترجم محمود حسن‌آبادی. *نشریه پاژ*. شماره ۲۷. ص ۱۵ - ۳۲.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم. (۱۳۶۶). *کرمان در شهرهای ایران*. به کوشش محمد یوسف کیانی. جلد دوم. تهران: جهاد دانشگاهی.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم. (۱۳۶۸). *خاتون هفت قلعه*. تهران: انتشارات روزبهان.
- باستانی پاریزی، (۱۳۹۴). *وادی هفت‌واد*، تهران: نشر علم.
- پوراحمد، احمد. (۱۳۷۰). *جغرافیا و ساخت شهر کرمان*. تهران: انتشارات دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی.
- جم، پدرام. (۱۳۹۸). «دختری درون قلعه است؛ قلعه دخترها و داستان‌هایشان». *فرهنگ و ادبیات عامه*. سال ۷. شماره ۲۶. ص ۱۲۹ - ۱۴۸.
- حافظ ابرو، عبدالله بن لطف‌الله. (۱۳۷۵). *جغرافیای حافظ ابرو*. تصحیح صادق سجادی. جلد سوم. تهران: مکتوب.
- خیصی، محمد ابن ابراهیم. (۱۳۷۳). *سلجوقیان و نمز در کرمان*. تصحیح محمدابراهیم باستانی پاریزی. تهران: کوروش.
- ریاحیان گهرتی، رضا. (۱۳۹۸). «نویافته‌های باستان‌شناسی قلعه اردشیر و دختر شهر کرمان». *چهارمین همایش ملی باستان‌شناسی ایران*. دانشگاه بیرجند.
- سایکس، سرپرسی. (۱۳۶۳). *سفرنامه ژنرال سرپرسی سایکس یا ده هزار میل در ایران*. ترجمه حسین سعادت‌نوری. تهران: آسمان.

- طبری، محمد بن جریر. (۱۳۷۵). **تاریخ طبری**. ترجمه ابوالقاسم پاینده. جلد دوم. تهران: اساطیر.
- غضنفرپور، حسین و علیمردی، معصومه. (۱۳۹۱). «نگرشی بر ساختار فضایی بافت قدیم شهر کرمان». **مجله مطالعات ایرانی**. شماره ۲۲. ص ۱۷۱ - ۱۹۴.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۸). **شاهنامه فردوسی**. بر اساس شاهنامه چاپ مسکو و ژول دمول. به کوشش پروانه طاهری و مونا ناصر المعمار. تهران: شقایق.
- فضل‌الله همدانی. رشیدالدین. (۱۳۷۳). **جامع التواریخ**. تصحیح محمد روشن و مصطفی موسوی. تهران: نشر البرز.
- قاضی بن الزبیر. (۱۹۸۴). **الذخائر و التحف**. تصحیح محمد حمیدالله. جلد اول. کویت: مطبعه حکومت.
- کتبی، محمود. (۱۳۶۴). **تاریخ آل مظفر**. تصحیح عبدالحسین نوایی. تهران: امیرکبیر.
- کمانداری، محسن. (۱۴۰۰). «بررسی سیر تحولات تاریخی شهر و بافت کهن کرمان از زمان ساسانیان تا قاجاریه». **جغرافیا و روابط انسانی**. دوره ۴. شماره ۲. ص ۱۲۱ - ۱۴۲.
- مدرسی، فاطمه و سیفی، نسرین. (۱۳۹۱). «قلعه دختر». **مجله مطالعات ایرانی**. سال یازدهم. شماره بیست و یکم. ص ۲۲۳ - ۲۴۵.
- مشیزی، میرمحمدسعید. (۱۳۶۹). **تذکره صفویه کرمان**. تصحیح باستانی پاریزی. تهران: نشر علم.
- منشی کرمانی، ناصرالدین. (۱۳۲۸). **سمط العلی للحضرة العلیا**. تصحیح عباس اقبال. تهران: شرکت سهامی چاپ.
- منصور، سید امیر. (۱۳۸۶). «دو دوره سازمان فضایی در شهر ایرانی: قبل و بعد از اسلام با استعانت از شواهد تحولات شهر کرمان». **مجله باغ نظر**. شماره ۷. ص ۴۹ - ۶۰.
- مهندسین مشاور استوناوندافراز. (۱۳۸۸). {مطالعه، پژوهش، مستندسازی، مبانی نظری و طرح مقدماتی حفاظت قلعه دختر کرمان}. کرمان: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان.
- وزیر، احمدعلی خان. (۱۳۷۶). **جغرافیای کرمان**. تصحیح محمدابراهیم باستانی پاریزی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- وزیر، احمدعلی خان. (۱۳۹۶). **تاریخ کرمان**. تصحیح محمد ابراهیم باستانی پاریزی. تهران: نشر علم.
- یزدی، معین‌الدین. (۱۳۲۶). **مواهب الهی در تاریخ آل مظفر**. تصحیح سعید نفیسی. تهران: اقبال.
- **کارنامه اردشیر بابکان**. (۱۳۲۹). به اهتمام محمدجواد مشکور. تهران: کتابفروشی و چاپخانه دانش.

References

- Afzal al-din Kermani, A. (1947). *Afzal history or Badaye al-azman fi vaghaye-e Kerman*. Edited by Mehdi Bayani. Tehran: University of Tehran. (In Persian)
- Afzal al-din Kermani, A. (1952). *Al-mozaf ela Badaye al-azman fi vaghaye-e Kerman*. Edited by Abbas Eghbal. Tehran: printing office of parliament. (In Persian)
- Afzal al-din Kermani, A. (1977). *Eqhd al-ola Lelmoqefe al-a'la*, Edited by Ali Mohammad Ameri Naeini. Tehran: Roozbehan. (In Persian)
- Anisi, A. (2012). The Kushk-I Rahimabad in Bam. *Studia Iranica* 41. pp. 187-202. (In English).
- Bastani Parizi, M. (1987). *Kerman in the cities of Iran*. Through the efforts of Yusuf Kiani. Volume II. Tehran: Jahad Daneshgahi. (In Persian)
- Bastani Parizi, M. (1988). *Khatun Haft Qaleh*. Tehran: Rozbahan. (In Persian)
- Bastani Parizi, M. (2015). *Vadi Haftvad*. Tehran: Nashre Elm. (In Persian)
- Fazlullah Hamdani, R. (1994). *Jame al-Tawarikh*, revised by Mohammad Roshan and Mostafa Mousavi. Volume 2. Tehran: Alborz. (In Persian)
- Ferdosi, A. (2009). *Shahname of Ferdosi*. Based on Shahnameh printed in Moscow and Jules Demol. by the efforts of Parvaneh Taheri and Mona Naser Al-Mamar. Tehran: Shaghayegh. (In Persian)
- Ghazanfarpour, H., & Alimoradi, M. (2012). A study Of Spatial Structure of The Old Texture of Kerman, *Journal of Iranian Studies*, 11 (22), P 171-194. (In Persian)
- Ghazi Ibn al-Zubayr. (1984). *Al-Zhakhaer va Tohaf*. corrected by Muhammad Hamidullah. Volume 1, Kuwait: Matabah Hakumah. (In Persian)
- Hafez Abro, Abdullah bin Lotfullah (1996). *Geography of Hafez Abro*. Introduction, correction and research by Sadegh Sajjadi. volume 3. Tehran: Maktoob. (In Persian)
- Ilona Marcus, K. (2017). From an Iranian myth to a folk tale; The legend of the dragon slayer and the spinning maiden in Persian Shahnameh. Translated by Mahmoud Hassanabadi, *paj*. (27), 15-32. (in Persian)
- Jam, P. (2019). A Maiden is in the Castle: Maiden Castles and their Tales, *Culture and Folk Literature*, 7 (26), PP 129 -148. (In Persian)

- Kamandari, M. (2021). A study of the historical developments of the city and the ancient texture of Kerman from the Sassanids to the Qajar dynasty, *Geography and Human Relations*, 4 (2), PP 121 -142. (In Persian)
- Karname Ardeshir Babakan. (1950). By the effort Mohammad Javad Mashkoo. Tehran: Chapkhane Danesh. (In Persian)
- Katabi, M. (1985). *Tarikh-e al-Muzaffar*. edited by Abdul Hossein Navaei. Tehran: Amir Kabir. (In Persian)
- Khabisi, M. (1994). *Seljuqs and Ghos in Kerman*. introduction and correction by Mohammad Ibrahim Bastani Parizi. Tehran: Korosh. (In Persian)
- Mansouri, Seyed-Amir (2007). The Spatial Organization of Iranian City in Two Periods: Before and After Islam Based on the Evidences of Kerman City Evolution. *Bagh- E Nazar*, 4 (7), 50-60. (In Persian)
- Mashizi, M. (1990). *Tazkare Safaviyeh Kerman*. edited by Bastani Parizi. Tehran: Nashre Elm. (In Persian)
- Minaei, N., and M. H. Tajjali. (2009). Study of Urban Spaces: Problems in the City of Kerman, Iran. *Interdisciplinary Themes Journal*. 1(1). 144-167. (In English).
- Modaresi, F, & Seifi, N. (2021). The Maiden Castle, *Journal of Iranian Studies*, 11 (21), P 223. (In Persian)
- Monshi Kermani, N. (1949). *Samat al-ala lel-hazrat al-olya*. edited by Abbas Eqbal. Tehran: Sherkat Sahami Chap. (In Persian)
- Morier, J. (1818). *A Second Journey Through Persia, Armenia and Asia Minor to Constantinople: between the years 1810-1816*. London: Longman. (In English).
- Poorahmad, A. (1991). *Geography and construction of Kerman city*. Tehran: Jahad Daneshgahi. (In Persian)
- Riahiyan, R. (2019). Archaeological Innovations of Qaleh Ardeshir and Qaleh Dokhtar of Kerman. *4th Iranian National Archeology Conference Birjand*: University of Birjand. (In Persian)
- Stonavand Afraz Consulting Engineers (2009). Study and research on documenting the theoretical foundations and preliminary plan for the protection of Kerman's Qaleh Dokhtar. Volume 1. Kerman: *Archives of the Administration of Cultural Heritage, Handicrafts, and Tourism of Kerman Province*, (unpublished). (In Persian)

-
- Sykes, S. P. (1984). *The Travelogue of General Ser Persi Sykes or Ten Thousand Miles in Iran*. translated by Hossein Saadat Nouri. Tehran: Aseman. (In Persian)
- Tabari, M. (1996). *History of Tabari*. Translated by Abolghasem Payande. Volume 2. Tehran: Asatir. (In Persian)
- Vaziri, A. (1997). *The geography of Kerman*, edited by Mohammad Ebrahim Bastani Parisi. Tehran: Association of Cultural Artifacts and Treasures. (In Persian)
- Vaziri, A. (2017). *History of Kerman*. edited by Mohammad Ebrahim Bastani Parizi. Tehran: Elm. (In Persian)
- Yazdi, M. (1947). *Mavaheb-e Elahi; in the history of al-Muzaffar*. edited by Saeed Nafisi. Tehran: Iqbal. (In Persian)